

# اکتاف ارمغان

## مکاتیب تاریخی

يك جنك بزرگ بی نظیر که تقریباً در حدود پانصد سال قبل نوشته شده و بنظم و نثر فارسی و عربی مشحور و سواد پنجاه شصت مکتوب از اعظم نویسندگان باستان و ادبای نامدار ایران در آن ثبت و ضبط است از کتابخانه استاد فاضل آقای حاجی سید نصرالله برای استنساخ قسمت فارسی و طبع و نشر در مجله ارمغان بادره ارمغان واصل گردیده است

قارئین عظام ارمغان بدانند که این مکاتیب و آنچه از اینگونه کتب نقل میگردد همه تاریخی، گرانبها و نایاب است و احدی را بدانها دسترس نیست

پس برماست که در برابر اینگونه تحف و هدایای ادبی از طرف خود و تمام مشترکین سپاس و امتنان بی نهایت خویش را در پیشگاه این دانشمند معظم که تنها اهتمام و نگاهانی ایشان بقای چنین گنج های ادبی را باعث بوده و هست ارمغان فرستیم

در این شماره سه مکتوب از مکاتیب که هر سه راجع بخواجه شمس الدین صاحب دیوان است و شرح حال وی در ضمن مکتوب سعدی سابقاً باختصار نگاشته شده قناعت میرود

## مکتوب اول

## للمصاحب شمس الدین (۱)

در این فصل نو بهار که سیاح محمد قدم و صبا عیسی دم  
گشته و دلهای پشورده را طراوت بی اندازه و جانهای مرده را  
حیاتی تازه می بخشد . و نداء ( فانظروا الی آثار رحمة الله کیف یحیی  
الارض بعد موتها ) در میدهد . و درختها در مشاجره و نرگسها  
درمناظره و گلها در تقبیل و عناق و نشفهها ( فالتفت الساق بساق )  
وحوش با جنس خود در بهجت سیران و طیور با الاف (۲) خود در  
لذت طیران . و محب با محبوب هم نشین و عاشق با معشوق هم بالین  
آرزو میکنند با تو دمی در بستان

یا بهر گوشه که باشد که تو خود بستانی

یارب این آرزوی من چه خوش است تو به این آرزو مرا برسان  
هر چند تبریز شهری است که رسوم و قواعد آن چون اوضاع  
فلکی از تعرض عیب و نقصان مصونست . حدایق و ارباع (۳) آن  
چون طرایق چرخ از تصرف حدنان مأمون - در هر کنجی گنجی  
و بر هر طرفه طرفه - و در هر بستانی از بساتین او از خلد نموداری  
و هر طرفی از میادین او از فردوس یادگاری - ( همه گلزارهای او  
گلزار ) و چهار فصل او بهار . ( کانه جنة تجری من تحتها الانهار )  
اما در غیبت آن خداوند نزدیک داعی هر گلشنی کلخنی و هر بستانی  
زندانی و هر مرحله مزله ایست -

(۱) از سبک عبارت معلوم میشود که این مکتوب را بابا قاجان

پادشاه بزرگ مغول هنگام دوری وی از تبریز نگاشته است .

(۲) الاف : بروزن شداد جمع الف است بر وزن نقل یعنی هم نشینان

(۳) ارباع : بروزن اشجار جمع ربع بفتح راء بمعنی خانه است



گر بی تو بود جنت بر کنگره نشینم  
 و با تو بود دوزخ در سلسله آویزیم  
 این دعا از سر ذوق و شوق است . امید است که بروفق خواطر  
 عقرب اجابت فرماید و تشنگان فراق را سیراب وصال گرداند و الله ولی الاجابه

## مکتوب دوم

### ومن انشائه (۱)

چندانکه طرف طرق محبت و سیل مودت بیشتر میسپرد  
 در پیش (۲) نیش عقارب او بیش می افند پس چاره من بیچاره جز آنکه  
 برخیزم و در جهان نهم سر نشینم و خون خورم بساغر

نیست . سبحان الله در اوان مصاحبت و زمان معالحت از  
 افعال و اقوال این بنده استدلال تموده و بدلائل و براهین اورا  
 محقق نشده که مرد هر کار معین و کار هر مرد معین قباى تخلیط  
 و تضریب و پیراهن افک و تکذیب بر قد اقران و امثال ما  
 ندوخته اند؟؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علم الله که هرگز در باب خدمت و عشم منصور قدمی نامستقیم  
 بر نهاده و دمی نا معتدل نزده . و در تحریری مراضی قدر  
 الوسع و الطاقه مجدد و مجتهد بوده . و در نقیبه جوهر و  
 عرض از شوائب علت و غرض باقصی الغایه کوشیده . و بر یاد

(۱) گمان میرود این مکتوب را هم با باقا خان در زمانیکه به سعایت دشمنان  
 بدو بی میل گشته است نگاشته باشد .  
 (۲) بیش بر تون نیش گیاهی است که در سمیت و کشندگی معروف است و  
 با جدرار در یکجا میرود

معاودت ایام وصال شراب های تمنی نوشیده . و بر آتش و نیران  
فراق جوشیده . و آیه ' یا ایهاالذین آمنوا اوفوا بالعقود را ) نصب  
العین داشته

الا لا اری عهدی دنا الدار او نات

بعنوة ما ~~کرا~~ لجدیدان بسالیبا

و این مخلص در امثال این ظنون و اشباه این فنون ( نقی  
الذیل و بری الشهادة و الغیب است ) چون در این باب کلمات و  
طامات منجاوز شد اقتصار و اختصار اولی و اجری شمرد

فما زمنی بما فی القلب و اف

ولا قلمی بما فی الصدر حاک

### مکتوب سوم

و عن انشائه (۱)

هر جا که هست در هر زی و لباس که با ابنای روزگار موافقت  
مینماید کلی و جزوی از درون خاطر ملازم و معتکف آستانه صاحب  
دولتانت . باشد که از بجان عمیق نظر مبارکشان رشحه بر متعطشان  
بادیه تحیر قایض شود

افبضوا علینا من الماء فیضا فنحن عطاش و اتم و رود

توقع بجناب مقدس مولانا ولی الله چنانست که در وقت (الی

مع الله وقت لا یسعی ملک مقرب ولا نبی مرسل ) این ضعیف مذنب

را از خاطر فرو نگذارد ، و باوامر و نواهی اشارت عالی دریغ

(۱) این مکتوب را یکی از بزرگان عرفا و شعرای عصر خود باید نگاشته باشد و  
احتمال قوی آنست که حضرت شیخ سعدی طرف مکاتبه باشد



فرماید . تا کمر اقیاد بر میان جان سته دارد میامن روزگار همایون  
بر جمور شامل باد .

### شاهزاده جلال الملک

چنانکه نگارش های چندین ساله ارمغان کوا هست نگارنده ارمغان  
با اینکه این ادیب بزرگ ندیده فقط از دیدن آثار و اشعار گرانبهای  
وی بی نهایت زیارت کعبه جمالش مشتاق بود تا در این اوقات  
بدین آرزو نایل شده و تقریباً بیست روز قبل پس از ورود ایشان  
بطهران از زیارت جمال میمونش بهره مند گردید .

شاهزاده جلال الممالک مردی است معتدل قامت و گندم گون با  
بیشانی گشوده و سیمای فرح بخش و تقریباً پنجاه سال و اندی از عمر  
شریفش بیش نگذشته است .

آثار فکر و دانش و هوش و ذکاوت از قیافه جذاب وی  
لایح و آشکاراست . هر چند سخن کم میگوید و ولایم بادای کلمات  
می پردازد ولی گفته های او از نظم و نثر مصداق شعر حکیم نظامی  
است که می فرماید

کم گوی و گزیده گوی چون در      تا ز اندک تو جهان شود پر  
لاف از سخن چو در توان زد      آن خشت بود که پر توان زد  
پس از ورود شاهزاده بطهران تمام ادبا و اهل فضل بایک وجد و  
شعف و اشتیاق مفرط که در ایران شاید سابقه ندارد زیارت وی  
شتافته و از خدمات بزرگ ادبی او همواره قدر شناسی کرده و میکنند  
از طرف مدرسه مخدرات اسلامی یعنی محصولات آن مدرسه  
بتوسط مدیره محترمه آن « خانم درة المعالی » بنت مرحوم شمس  
المعالی که یکی از پیش قدمان تأسیس مدرسه نسوان و خدمت به  
عالم تعلیم و تربیت مخدرات است یک جعبه سیگار نقره مینائی و طلا  
کوب بضمیمه یک لایحه مفصله مشتمل بر قدر شناسی و بروز احساسات